

حرف درشت

ماجرای پنجر گیری

پوریا عالمی

● ما یک ماشین داریم که نه بوق دارد و نه صندلی و همیشه پنجر است.

درواقع آن اولش ماشین نداشتیم، منتها گفتند قرار است به همه، همه چیز برسد. ما هم در دوران سازندگی یک تهریش غلیظی داشتیم و هشت سال توی صف ایستادیم (آن موقع ما واسه هر چیز صف می‌ایستادیم) آخرش به ما که رسید، گفتند ماشین تمام شد. گفتیم پس ما چی؟

گفتند بیا. بعد یک ترمزدستی دادند دست ما و ما دیدیم آنها که ماشین بهشان رسیده دارند تخته‌گاز می‌روند، ما هم ترمز را کشیدیم.

در زمان اصلاحات نوبت به ما که رسید یک بوق دادند دست ما و گفتند برو حال کن که آزادی است،

هرچی می‌خواهی بوق بزَن.

داشتیم بوق می‌زدیم که به جرم بوق‌زدن در منطقه غیرالبوق، ما و ماشین ما را خوابانند.

بعد دوران مهرورزی شد و باز ما رقتیم توی صف. به یک‌سری، حواله واردات ماشین خارجی دادند، به ما که رسید یک قالیاق دادند دست ما.

گفتیم این چیست؟ گفتند یا باید قالتاق باشی یا قالیاق.

بعد همان قالیاق را هم شبانه از ما باز کردند و رفتند بغل سلین دیون، همسایه شدند. هفته بعدش هم چهارتا چرخ ما را باز کردند و دادند بابک زنجانی و شرکا تبدیل به احسنش کنند.

در همین وانفسا روحانی آمد و ما گفتیم حالا که آمدی یک هل بده ما راه بیفتیم، گفت پنجرید و نمی‌شود.

گفتیم پنجری‌مان را بگیر. گفت اول باید تکرار کنیبد. ما تکرار کردیم. بعد گفتیم چی شد؟ گفت فشار هست، من نمی‌توانم پنجری بگیرم. گفتیم چی کار کنیم؟ گفت یک تلمبه هست، نوبتی باد بزنیبد، تلمبه که به ما رسید، دیدیم تلمبه را هر چی می‌زنیم باد ندارد. گفتیم چی‌کار کنیم؟ تویتت کرد و نوشت فوت کنیبد! ما برای اینکه فشار را از دولت کم کنیم، خودمان شروع کردیم فوت‌کردن و به خودمان از شش جهت فشار آوردیم. الان هم که این ستون را می‌خوانیبد ممکن است بگویید گوشه یادداشت‌های پوریا عالمی باد می‌دهد. خب شما جای ما. اگر شما هم در حمایت از دولت، هی مشغول فوت‌کردن و بادکردن چرخ پنجر گیری‌نشده باشید، باددان گوشه مطلبتان، طبیعی‌ترین ساید افکت و به قول علما واکنش شما خواهد بود.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

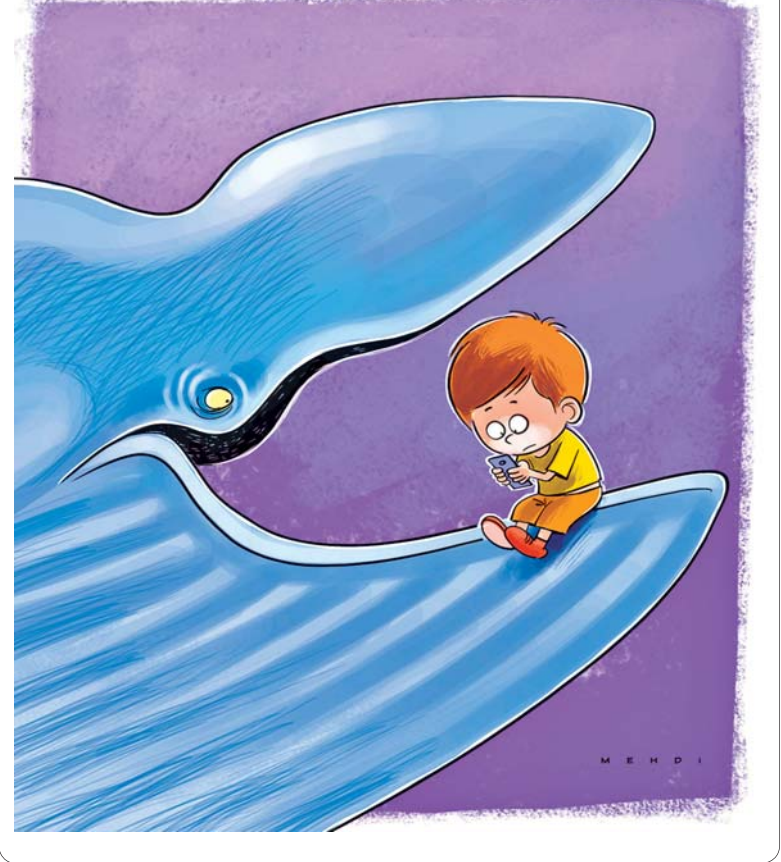
دوشنبه • ۲۰شهریور ۱۳۹۶ • ۲۰ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۵۹ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۶ • اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

مهدی عزیزی

به بیانه هشدار وزیر ارتباطات راجع به چالش بنگ آبی؛ بازی اینترنتی که نوجوانان را به کام مرگ می کشاند



گام‌لترین مجموعه‌ی خودروهای داخلی و وارداتی



مجموعه نمایندگی های مجاز فروش خودرو

2017 KIA
کد صنفی: ۰۲۳۵۸۷۲۳۵۶ - سال تاسیس ۱۳۸۱

پرچین پارس

برای مشاوره و کسب اطلاعات بیشتر با کارشناسان فروش تماس بگیرید.

شعبه سعادت آباد: سعادت آباد، رسیده به میدان کاج بین خیابان هجدهم و شانزدهم، پلاک ۵۵	۲۲۳۵۰۰۱۱	شعبه کاشانی: بلوار کاشانی، روبروی پو پتینز، پلاک ۹ و ۱۰	۴۴۹۵۵۷۲۱
شعبه اسفندیار: خیابان ولیعصر، تقاطع دیش و اسفندیار، پلاک ۵۶۵ (۲۵۰۰ پارکینگ اختصاصی)	۸۸۲۰۲۸۵۰	دفتر خدمات رفاهی پيس از فروش: بلوار کاشانی، ساختمان گلزار، طبقه ۱	۴۴۹۶۶۸۷۵
شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قنات، پلاک ۲۵۳	۲۲۵۶۴۴۷۶	ساختمان امور مشتریان: سعادت آباد، میدان بهرهری، روبرو بهرهری، خیابان خیابان خیابان ۱۳ غربی، پلاک ۴۷	۲۲۳۶۰۵۳۰



غلامعباس توسلی

کلیدی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین چالش پیش‌روی دولت دوازدهم، «ناهماهنگی بین امکانات و نیازها» در بدنه اجتماع، فضای سیاسی و شرایط اقتصادی کشور است و به نظر می‌رسد مطالبات تمامی گروه‌ها – نه فقط آنها که در انتخابات اردیبهشت‌ماه به آقای روحانی رأی دادند، بلکه کل افراد جامعه- در برطرف‌سازی همین عدم تعادل یا ناهماهنگی موجود خلاصه شود. براین‌اساس، پرداختن به اولویت‌ها و مسائلی که این دولت پیش‌رو دارد یا ناخواسته با آن روبه‌رو خواهد شد، از جدی‌ترین فعالیت‌هایی است که باید به‌فوریّت به آن پرداخته شود:

یک) بی‌شک اصلی‌ترین اولویت دولت در چهار سال پیش‌رو، پرداختن به مسائل اجتماعی است چراکه به نظر می‌رسد جامعه برای برآورده‌کردن نیازهای خود

نگاه

حافظه مخدوش نسل جدید از واقعه ۱۷ شهریور



مجتبی رازی

اگر احتمالاً در عصر روز ۱۷ شهریور، فیلم سینمایی «جای امن» را از شبکه دو تلویزیون دیده‌اید، باید بگوییم کارگردان این فیلم من‌هستم، اگرچه به جای ۸۳ دقیقه زمان فیلم، شما فقط ۷۰ دقیقه آن را دیده‌اید. وقتی که از طریق یکی از دوستانم مطلع شدم، تلویزیون دارد فیلمی را که سال‌ها پیش بر اساس اسناد تاریخی واقعه ۱۷ شهریور ساختم، نمایش می‌دهد، شاد شدم از اینکه نسلی که آن حادثه هولناک و ننگین را ندیده، احتمالاً از طریق این فیلم، فضا و فرصت ساخت یک حافظه تاریخی درست نسبت به خشونت و دمنشی رژیم پهلوی را پیدا کرده و دریافته است که چرا آن جمعه، جمعه سیاه شد و چگونه ژاله غرق خون شد. تلویزیون را روشن کردم، اما چیزی که دیدم، فقط بخشی از فیلم من بود (۱۳ دقیقه سانسور از فیلم، حذف کل تیتراژ پایانی و کاهش زمان نمایش نام من در تیتراژ آغازین از پنج ثانیه به کمتر از یک ثانیه). بنابراین به‌عنوان کارگردان فیلمی که قرار بود حافظه تاریخی نسل‌های بعدی از روند مهم‌ترین خیزش مردمی کشور در مسیر انقلاب شود، این سؤال به ذهنم رسید که آن ۱۳ دقیقه چه شده است؟ صحنه‌های حذف‌شده از فیلم، نه مشکلی با خط قرمزهای تلویزیون داشتند و نه چالشی در محتوا که قابل پخش برای مخاطب تلویزیون کشورم نباشند. باکمال تعجب متوجه شدم گویی هرجایی که بناست برای نسل شما که هیچ خاطره تصویری‌ای از انقلاب و روند رسیدن به ۲۲ بهمن ندارید، تصویری تازه و مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی ثبت شود، گرفتار سانسور شده است تا جایی که بدون آن ۱۳ دقیقه، عملاً فیلم محدود شده به درامی میان یک مرد ساواکی و یک زن انقلابی، دیگر خبری از علت وجودی ساخت این فیلم که نمایش خشونت رژیم پهلوی و عاملانش نسبت به مردم بود، نبود. درست است که شما نسل جوان مخاطبان این شبکه تلویزیونی هستید و احتمالاً بهانه بیاورند که برای کاستن از خشونت‌های فیلم، این ۱۳ دقیقه به تیغ سانسور سپرده شده، اما شما تا آن خشونت را نبینید، تا آن کشتن مردم بی‌گناه در خیابان‌های شهر خود را نبینید، چطور قرار است حافظه تصویری خود را نسبت به انقلاب بسازید؟ وقتی که «جای امن» به‌عنوان یکی از قابل‌اعتناترین آثار در این حوزه گرفتار سانسور می‌شود، شما تصویرتان را از انقلابی که ندیده‌اید، چطور قرار است بسازید؟ شاید اگر بی‌بی‌سی یا من‌وتو تصمیم به پخش این فیلم می‌گرفت به‌خاطر بزر احترام به هنرمند هم که بود، آن را بدون سانسور پخش می‌کرد، اما متأسفم که این فیلم در کشور خودم با چنین سرنوشتی همراه شد. نسخه کامل فیلم «جای امن» به اعتراف مجید انتظامی که خود یکی از شاهدان عینی واقعه ۱۷ شهریور بود، عین واقعیت ساخته شده بود و به اعتراف بسیاری دیگر از اهالی سینما از جمله، عباس کیارستمی فقید، جزء یکی از بهترین تلاش‌ها برای خلق مستندگونه واقعه‌های تاریخی است که در حقیقت شما صاحب معنوی آن هستید، نه من مجتبی رازی. کاش مسئولانی که مدیریت تلویزیون را در دست دارند، نه به من، بلکه به شما صاحبان اصلی این اثر و صاحبان واقعی این زمانه جواب بدهند که چرا نسل جوان را از دین و مواجه شدن با تاریخ معاصر خود محروم کرده‌اند؟ اگر پاسخ این سؤال را دادند، من هم گل‌های نخواهم کرد که چرا اسم من- همان‌طور که در بالا اشاره کردم- از تیتراژ پایانی فیلم حذف شده، چراکه من ۶۰ سال‌ه‌ام و در مسیر طبیعی حذف‌شدن، این شما هستید که زنده‌اید و صاحب آینده، برای مراقبت از این آینده، باید گذشته واقعی خودتان را بشناسید. آرزو دارم که روزی با اعلام قبلی (نه ناگهان در ساعت بعداً) این فیلم به طور کامل از تلویزیون پخش شود تا شما هم دریابید در آن روز چه بر مردم گذشت و زخم ۱۷ شهریور چرا هنوز زنده است.

و عبور با سعه‌صدر از مشکلات و موانع توسعه، به ساختاری منسجم و آرام نیازمند است و این دو جز با حل مسائل اجتماعی به دست نمی‌آیند. در میان مسائل مهم اجتماعی، به نظر می‌رسد که بیشتر و بیشتر با مسائل جوانان و زنان مواجه شویم، این دو گروه قطعاً در چهار سال آینده خیرسازترین گروه خواهند بود؛ این دو گروه در منشور حقوق شهروندی که از سوی دولت تهیه و ابلاغ شده است مورد توجه قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر، هنوز با چالش‌هایی در زمینه عدالت و برابری و استفاده مساوی از امکانات و منابع مواجه‌اند. اینکه در برخی از شهرستان‌های کشور، زنان با جمعیت صدرصدی در انتخابات شرکت کرده‌اند خود نشان از بالندگی آنها و ورودشان به کارزار عدالت‌خواهی دارد و این روند می‌تواند سال‌های پیش‌رو را در حوزه زنان، به مقطعی مهم و سرنوشت‌ساز بدل کند.

دو) اگر قرار باشد مطالبات پنهان در لایه‌های جامعه را از دهان مردم بشنویم، بی‌شک آنها موضوع «معیشت» را به‌عنوان اصلی‌ترین چالش خود اعلام خواهند کرد چراکه معتقدن بسیاری از مسائل و مشکلات ریشه در

مطالبات

دولت با «ناهماهنگی میان امکانات و نیازها» چه خواهد کرد؟

چالش‌های اقتصادی جامعه دارد و به‌همین‌خاطر از دولت و نهادهای مسئول توقع دارند حل مسائل اقتصادی را در اولویت برنامه‌های خود بگذارند. به اعتقاد من در حوزه اقتصادی باید علاوه بر زمینه‌سازی برای فراهم‌کردن امکانات حل مسئله، ابزارهای اجرایی آن نیز در دست نهادی قرار بگیرد که در این زمینه از سوی مردم مسئول شناخته می‌شود. شاید به این شکل بتوان در معیشت مردم شاهد حصول بهبودی بود. سه) به‌عنوان فردی که سال‌ها با دانشجویان و فضاهای دانشگاهی در ارتباط بوده‌ام باید به مسئله مهم دیگری نیز اشاره کنم که به نظر می‌رسد در میان اولویت‌های عمومی جامعه-تأحدی نادیده گرفته می‌شود اما سایه آن بر سر حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌افتد. ما در کشور شاهد عدم هماهنگی میان رشته‌های دانشگاهی و نیازهای خاص ایران هستیم. این مسئله باعث شده که با صرف انرژی‌های فراوان مالی، زمانی و امکانی، در دل جوانان این کشور برای سازندگی امیدهایی به وجود بیاید اما به پاسخ روشنی ختم نشود.

روایت

پکن، بر کنش و بازاریابی

طاہره ابید - نویسنده کودک و نوجوان

در این دیدار، چانگ تو، رئیس بخش بین‌الملل انجمن نویسندگان، ضمن خوشامدگویی به نویسندگان ایرانی (هوشنگ مرادی‌کرمانی، طاہره ابید، دکتر حسین پاینده، جعفر شیرعلی‌نیا، مرضیه سلیمانی و علی‌اصغر سیدآبادی) گفت: «این انجمن در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده و امروز ۱۱هزار و ۲۳۶ عضو برجسته دارد و تنها کسانی می‌توانند به عضویت این انجمن درآیند که اثری از آنها جایزه گرفته باشد». انجمن نویسندگان چین، چهار جایزه ملی و سراسری به نویسندگان اهدا می‌کند:

۱) جایزه رمان

۲) جایزه روشو (داستان کوتاه)

۳) جایزه ادبیات قومیت (جایزه برای نویسندگانی که درباره ۵۵ قوم ساکن در چین داستان بنویسند).

۴) جایزه ادبیات کودک

در ادامه این دیدار، یکی از نویسندگان حوزه ادبیات کودک چین، توضیحات قابل‌تأملی درباره نشر کتاب ارائه کرد. وی گفت: در چین، سالانه ۴۰ هزار عنوان کتاب چاپ می‌شود که از این تعداد، یک‌پنجم آن، ترجمه است. ۴۰ درصد از سهم کتاب‌های کودک و نوجوان چین را ادبیات تشکیل می‌دهد که شامل: شعر و نثر (ادبیات واقع‌گرا و افسانه) است. به گفته وی، هر سال چهار تا پنج هزار عنوان داستان بلند در چین چاپ می‌شود که در این میان، رمان، پرخواننده‌ترین و جذاب‌ترین نوع ادبی است که بسیاری از آنها، داستان‌های دربار و امپراتوری‌های چین هستند. موضوع داستان‌های کوتاه هم عموماً تخیلی و جست‌وجوگرانه است.

نکته قابل‌تأملی که در سخنان یکی دیگر از نویسندگان چین، مطرح شد، انتشار داستان‌های سریالی دیجیتال بود. داستان‌های سریالی دیجیتال از فرم‌های بسیار پرطرفدار چین است. این داستان‌ها که از طریق تلفن‌های همراه منتشر می‌شوند، بسیار پرخواننده‌اند و خیلی از مردم عادت کرده‌اند که هر شب، قبل از خواب، قسمتی از یک داستان را بخوانند. قسمت‌های جدید داستان‌های سریالی، شب‌ها به‌روزرسانی شده و در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. به گفته این نویسنده، گاهی یک داستان سریالی، میلیون‌ها بار خوانده می‌شود. وقتی از آنها پرسیدم که نویسنده داستان‌های سریالی چگونه حق‌التالیف خود را دریافت می‌کنند، گفتند: معمولاً چند قسمت از داستان‌های سریالی رایگان در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد؛ اما پس از آن، خواننده باید برای خواندن هر قسمت جدید، مبلغی پرداخت کند. در ادامه این دیدار، هرکدام از نویسندگان ایران، با توجه به حوزه تخصصی خود، مطالبی را مطرح کردند. در این جلسه، من به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، پیشنهادهایی به هیئت نویسندگان چین دادم که با استقبال روبه‌رو شد و قرار شد آنها را در شورای خود بررسی کنند. پیشنهادها عبارت بودند از:

امضای تفاهم‌نامه دوستی بین انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ایران و انجمن نویسندگان چین، برگزاری نشست‌های تخصصی از سوی دو کشور، تشکیل کارگروه و ورک‌شاپ مشترک بین نویسندگان ایران و چین و برنامه‌ریزی برای سفر گروهی نویسندگان و حضور در مدرسه‌های دو کشور.

فردا گذرانی

منتشر شده که زندگی و آثار براون را نقد و بررسی کرده است. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، ۲۱ شهریور، ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی درباره کتاب «۱۱ ادوارد براون و ایران» اختصاص دارد که با حضور دکتر ایرج پارسی‌نژاد، دکتر محمود جعفری‌دهقی و دکتر طهمورت ساجدی در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد صفر (بخارست)، نیش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

ادوارد براون نامی آشنا در حوزه ایران‌شناسی و شرق‌شناسی است. براون ۴۰ سال به تدریس و تحقیق در فرهنگ و ادبیات ایران و همچنین به مطالعات اسلامی و عربی و ترکی پرداخت و متون مهمی را چاپ یا ترجمه کرد و به مطالعات فارسی و عربی حیاتی نو بخشید. براون علاوه بر آثار ارزشمندی که نوشت، با فعالیت‌ها و پژوهش‌های خود نهضت مهمی را در ایران‌شناسی سبب شد. به‌تازگی کتاب «ادوارد براون و ایران»، به قلم دکتر حسن جوادی و به همت نشر نو